



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۸

۹ اسفند ۱۳۸۱

۲۸ فوریه ۲۰۰۳

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

حکومت اسلامی قاتل آنهاست!

فاتح بهرامی

پنج دختر جوان ۱۴ تا ۱۹ ساله در فاصله دو روز در شیراز خودسوزی کردند و جانشان را از دست دادند. نرگس، مریم، فهیمه، زهره و گلرخ که از زن ستیزی حاکم بر جامعه جانشان به لب رسیده بود و مستاصل شده بودند، اعتراض خود به بیحقوقی و زن ستیزی در جمهوری اسلامی را با قربانی کردن جان خود ابراز کردند. جمهوری اسلامی خبر را همچون یک حادثه معمولی در صفحه حوادث یک روزنامه مطرح کرد و اصلاح طلبان اسلامی هم این فاجعه را به دلیل تعصبات خانوادگی و مشاجرات و درگیری درون خانواده گزارش کردند.

اما جمهوری اسلامی عامل و بانی این فاجعه انسانی است. خود سوزی و خودکشی زنان و دختران جوان در ایران تحت سیطره حکومت اسلامی یک پدیده اجتماعی است و زن ستیزی و توحش حکومت اسلامی تاکنون قربانیان بسیار زیادی از زنان گرفته است. سوال اینست که چرا در جمهوری اسلامی زنان در ابعاد وسیعی دست به خودکشی میزنند و چگونه میشود آنرا متوقف کرد؟

این درست است که نگاه اسلام به زن بعنوان یک موجود فرودست و بیحقوق باعث میشود که در میان بخشی از مردم که از آن اسلام تغذیه میکنند، مردسالاری و نگاه فرودست به زنان به حیات تنگنیش ادامه دهد. اما تبعیض و ستم بر زن و زیر سوال رفتن و لگدمال کردن زندگی و حقوق و حرمت انسانی او در سطح جامعه فقط در پناه حاکمیت قوانین اسلامی زن ستیز امکان بروز پیدا میکند. اگر قوانین جامعه به کسی اجازه ندهد حقوق و آزادی زن را بخاطر جنسیت او لگدمال کند، آنگاه حتی در خانواده اسلامی و مردسالار هم افکار اسلامی ضد زن قدرت مانور پیدا نمیکند. مساله اینست که در جمهوری اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی یک زن ستیزی تمار عیار و آشکار سازماندهی شده است. به حکم قوانین اسلامی زن بیحقوق است، فرودست است، تحت ستم است و انسانی کامل نیست.

صفحه ۳

گرامی باد

۸ مارس

روز جهانی زن!



مضحکه "انتخابات شوراها" را

باید به شکست کشاند!
صفحه ۳



جنگ آمریکا و موقعیت سیاسی در ایران

علی جوادی

غرب و در محور آن آمریکا با اسلام سیاسی بود. جنگ آمریکا با عراق صحنه اصلی این نبرد را به خاورمیانه میکشاند. این کشمکش و رو در رویی بدون شک موجب تضعیف نیروها و سازمانها

تغییرات مهمی خواهد کرد. سیاست و تقابل اجتماعی در ایران نیز از این اوضاع و تحولات بین المللی بی تاثیر نخواهد بود.

یکی از وجوه تقابلی که در فرادای ۱۱ سپتامبر کلید آن زده شد شروع کشمکش سیاسی و نظامی بورژوازی

جنگی که آمریکا میروود در پی اهداف ضد انسانی خود بر مردم عراق تحمیل کند، صف بندیهای سیاسی در خاورمیانه را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد. این جنگ سیمای سیاسی و چهارچوبهای ایدئولوژیک و فکری در منطقه را دستخوش

صفحه ۲

در زندانها را خواهیم گشود

کاظم نیکخواه



گرم مردم آنها را در خود گرفت. امروز وقتی در برابر هتل لاله فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" بلند میشود خاطره انگیز است. آن زمان

گردد" را به یاد می آورند. گروه زندانیان سیاسی را دیده اند، و یا احيانا مثل من خود از زندانیانی بوده اند که آن فریاد ها را از درون زندان قصر می شنیدند. شاهد این بوده اند که آن فریاد ها دیوارهای آهنین قصر و اوین و قزل حصار را درهم کوبید و آغوش باز و صمیمی و

وجود زندانی سیاسی نشانه اختناق و سرکوب و عدم وجود آزادی است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی نیز دقیقاً به همین دلیل خبر از بهار آزادی برای کل جامعه میدهد. بویژه برای کسانی که انقلاب ۵۷ را تجربه کرده اند، عقب نشینی دیکتاتوری آریامهری در برابر فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید

صفحه ۲

همه زندانیان سیاسی باید

فورا و بدون قید و شرط آزاد شوند

صفحه ۴

اعتراضات کارگری در ارومیه، اصفهان و تبریز

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

صفحه ۳

از صفحه ۱

جنگ آمریکا ...

و دولت‌های این جنبش آدمکش در منطقه خواهد شد. چرا؟ این جریانات مرتجع سیاسی را خود بورژوازی غرب شکل داد. خمینی و بن لادن و حماس محصول و ساخته و پرداخته خودشان هستند. این جریانات در متن جنگ سرد پر و بال گرفتند. غرب زیر بغلشان را گرفت. بدون حمایت غرب اسلام‌مستنها در حاشیه لجنزار جامعه مشغول زندگی انگلی خود بودند. در یک خلاء سیاسی و در میان سر درگمی بورژوازی منطقه به جنگ بر سر قدرت سیاسی برخاستند. در ایران به منظور جلوگیری از شکل گیری یک حکومت دست چپی در حوزه نفوذ غرب به قدرت سوق داده شدند. محور اصلی تلاش این جنبش سهم‌بری از قدرت سیاسی در منطقه است. اما کارنامه این جنبش پر از صفحات ترور و آدمکشی و جنایت و دست و پا قطع کردن است. نفس کاهش حمایت غرب از این جریانات بخودی خود موجب تسریع افول موقعیت اسلام سیاسی در منطقه خواهد شد. تقابل و درگیری غرب با این جریانات ضربه سنگینی به حیاتشان خواهد بود. اسلام سیاسی بدون حمایت غرب در خاورمیانه در دراز مدت ماندنی نیست. از نیروها و جنبشهای اجتماعی حاضر در منطقه شکست خواهد خورد. یکی از پیامدهای تقابل غرب و اسلام سیاسی تضعیف موقعیت رژیم اسلامی در متن این شرایط است. اما جنگ آمریکا در منطقه، زخمی که بر پیکر مردم منطقه وارد خواهد کرد، موجب تقویت مقطعی تروریسم اسلامی خواهد شد. این جنبش بر متن کشت و کشتار ماشین نظامی آمریکا در منطقه امکان سربازگیری و تغذیه انگل وار از زخم وارده بر پیکر مردم را پیدا خواهد کرد. اما این تحركات و گسترش به اقداماتی در حاشیه جامعه محدود خواهد شد و به بستر عمومی تحرك اجتماعی در این جوامع تبدیل نمیشود. اسلام سیاسی دیگر پرچم اعتراض اجتماعی در منطقه نخواهد بود. پرچم اسلام سیاسی زمخت تر از آن است که کسی به دورش گرد آید. کارنامه‌اش سیاه تر از آن است که نیرویی قابل ملاحظه در بستر جامعه بخود جلب کند.

اما این جدال بیانگر تمام تصویر معادلات موثر بر موقعیت بین المللی رژیم اسلامی نیست. در حاشیه و در کنار این کشمکش و شکاف سیاسی در صفوف بورژوازی جهانی، جدال بر سر سرنوشت اروپا، جدال بر سر سرنوشت نظام سیاسی جهان پس از جنگ سرد در غرب، لشکر کشی های منظمای بورژوازی جهانی، تا حدودی امکان مانور و بهره برداری سیاسی در کوتاه مدت را به رژیم اسلامی میدهد. توافقات قدیم بین المللی میان نیروهای امپریالیستی در جهان از بین رفته و جهان به صحنه دعوی قطبهای جهانی بر سر نفوذ تبدیل شده است. جدال بر سر تثبیت هژمونی آمریکا، نظم نوین جهانی، در این متن معنا پیدا میکند. جدال قدرتهای جهانی بر سر نفوذ در ایران و جدال بر سر آینده ایران یکی از این رقابتهاست. جمهوری اسلامی خواهد کوشید تا در متن این شکافها به بند و بستهای جدیدی برای بقاء متوسل شود. اما این مانورها امکان تعیین کننده و قابل ملاحظه‌ای را در اختیار رژیم اسلامی در عرصه بین المللی قرار خواهد داد. حائلی برای رژیم قابل تصور نیست. سیاست اعلام شده "بیطرفی فعال" در قبال جنگ علیه عراق از یکطرف و همکاری با اپوزیسیون مرتجع دست ساز عراقی از طرف دیگر تغییری در این واقعیت عمومی نخواهد داد. بده بستانهای سیاسی در مورد امکان استفاده اضطراری از محدوده فضایی ایران برای نیروهای آمریکا و امکان تهاجم نظامی رژیم اسلامی به مجاهدین خلق هم صرفا میتواند معاملاتی تک نوبتی و نه دائم در این شرایط باشد.

جنگ طلبی بخشهایی از جناح راست و فراخوان آشکار به انجام اقدامات نظامی اسلام‌مستنها علیه نیروها و منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا در جهان، رژیم اسلامی را در شرایط بدتری قرار میدهد. فشار بر رژیم اسلامی را تشدید میکند. تلاش نیروهایی از دوم خرداد برای جاخالی دادن در شرایط جنگی حاضر و تقلا برای پنهان شدن در پناه جنبش ضد جنگ نیز بی پایه تر و کودنانه تر از آن است که گرهی را باز و دردی را برایشان درمان کند.

اما باند رفسنجانی در تکاپو است. این شرایط جنگی در عین حال زمین مناسبی برای مانور و مانیپولاسیون و بند و بست است. رفسنجانی در این زمین بازیگر ماهری است. رفسنجانی به دنبال پایان دادن به کشمکش جناحها و تجدید آرایش نیروهای جمهوری

اسلامی برای تدارک رو در رویی نهایی با مردم است. فرضشان است که با این درجه از تفرقه و کشمکش در صفوفشان نظام اسلامی در اولین تقابل جدی با مردم دچار شکست خواهد شد. میدانند که یک چنین شکستی پیکره نظام اسلامی را به یکباره در هم خواهد ریخت. از اینرو پایان دادن به جنگ جناحها را برای سر و سامان دادن به موقعیت رژیم کافی نمیدانند. به دنبال اعلام شرایط "فوق العاده" است. امید رفسنجانی تماما بر بند و بست با آمریکا استوار است. شروع عملی این پروسه میتواند اعلام شرایط "فوق العاده" از جانب خامنهای باشد. شرایط جنگی منطقه، حفظ نظم و امنیت، وضعیت اقتصادی جامعه، تخاصم جناحها، حفظ نظام، حفظ اسلام و تهاجم فرهنگی جملگی میتوانند بهانه‌های اعلام چنین موقعیتی در جمهوری اسلامی باشند. رفسنجانی به مثابه رئیس "مجمع تشخیص صلاحیت نظام" میتواند در چنین شرایطی به جلوی صحنه رانده شود. دولت و جناحهای رژیم به کناری زده شوند. آخوند ها در هراس از انتقام مردم به حاشیه رانده شوند. نظامیان و سپاه در چنین شرایط "اضطراری" فرضی باید مردم را ساکت و خانه نشین کنند. و رژیم تلاش کند تا با امتیاز دادن به غرب دور جدیدی از وقت خریدن برای رژیم را در دستور قرار دهد. این برگ رفسنجانی است.

از صفحه ۱

در زندانها را ...

شاید حکومت پهلوی از حکومت اسلامی امروز قدر قدرت تر بنظر میرسید. دچار کشاکش درونی نبود، در سطح بین المللی منزوی نبود، دچار افلاس مالی و ورشکستگی اقتصادی نبود، اما یک رژیم سرکوبگر و منفور از طبقه سرمایه دار بود. وقتی توده های میلیونی مطمئن شدند که میتوانند آنرا برزیر کشند، کار در عرض چند ماه تمام شد.

بهر حال این کشاکش برای برزیر کشیدن و خراب کردن دیوارهای اختناق بطور جدی آغاز شده است. مدتها قبل از هتل لاله شروع شده بود. بعد از این نیز گسترده تر خواهد شد و این آدم کشان وحشی قرون وسطائی را که ساواک و دیکتاتوری شاه را رو سفید کرده اند جارو خواهد کرد. مردم به بند کشیده ایران مدتهاست که به زبانهای مختلف اعلام کرده اند که با این حکومت دیگر کنار نخواهند آمد. از حقوق انسانیشان کوتاه نخواهند آمد. و انقدر میزمنند تا کار را تمام کنند. بالاخره در جایی طاقت انسان تمام میشود. کارد به استخوان

اسلامی مدتهاست که آغاز شده است. هیچ نقطه ثباتی برای این رژیم متصور نیست. رژیم در یک فلج همه جانبه بسر میبرد. رژیم اسلامی در پایین ترین نقطه موقعیت سیاسی و بین المللی خود قرار دارد. نیروی سومی یعنی جنبشهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه میتوانند باید به جلوی صحنه بیایند. در چنین شرایطی جنبش مردم برای سرنگونی رژیم و در راس آن جنبش کمونیسم کارگری بسرعت میتواند رشد کند و رژیم را برزیر بکشد. شکست اسلام‌مستنها در ایران بزرگترین ضربه به اسلام سیاسی خواهد بود. باید برای این شرایط آماده شد و برای پیروزی به زیر پرچم کمونیسم کارگری گرد آمد.

میرسد. و آنجا دیگر نمیتوان ورق را به عقب برگرداند. کسی قبول نمیکند که این حکومت با آنهمه جنایت غیر قابل وصف بگوید معذرت میخواهم، خود را اصلاح میکنم و تمام شود، و مردم برگردند خانه هایشان. کار باید تمام شود. جوان ایرانی میخواهد سایه وحشت و ترس و زور و اجبار از سرش برای همیشه برداشته شود. زن و مرد و پیر و جوان همین را میخواهند. زندانی سیاسی آزاد باید گردد یعنی همین. آن چند صد نفری که مقابل هتل لاله جمع شدند و فریاد زندانی سیاسی را سردادند، پشتیبانی کامل میلیونها نفر را با خود دارند. بگذار داستانهای تلخ این دوره وحشت را در دادگاههای مردم از زبان این درنده های اسلامی نیز بشنویم.

باید امیدوار بود مبارزه مردم آزادیخواه درهای زندانها را بگشاید و همه زندانیان سیاسی را به آغوش بستگان و دوستان خویش بازگرداند. این بار دیگر آزادی باید مهر خود را محکم بر آن جامعه بکوبد و هیچ بهانه و عذری را برای محدودیت خویش پذیرا نشود. و "آزادی بی قید و شرط سیاسی" به یک اصل بدیهی در جامعه بدل شود. ما به هیچ چیز کمتر از این رضایت نمیدهیم. ■

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید!

از صفحه ۱

حکومت اسلامی قاتل آنهاست!

از هم جدا کردند و آپارتاید جنسی برقرار کردند، بخش زیادی از جامعه و از جمله زنان را به اعتیاد و فحشا کشانده اند، در کلیه عرصه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی حقوق زن را لگدمال کردند، و در یک کلام به حکم اسلام و زور نیروی سرکوب و جاری کردن ناب ترین قوانین اسلامی حرمت و آزادی و حقوق انسانی زن را به گرو گرفتند. تمام انزجار شدید مردم و تمام نفرت عمیق زنان از رژیم اسلامی باید به قدرتی متشکل برای نابودی این حکومت تبدیل شود. این دشمنان آزادی و انسانیت، این هیولای ضد زن را فقط باید از قدرت ساقط کرد تا راه برای زندگی انسان در جامعه باز بشود.

اما امروز ورق برگشته است. چند سال است که مردم آزادیخواه برای سرنگونی این وحوش اسلامی به میدان آمده اند. زنان بخش مهمی از جنبش سرنگونی هستند. تقابل بین مردم و حکومت علنا به سطح جامعه کشیده شده است. مردم و حکومت هر دو میدانند که اوضاع به نفع مردم پیش می رود و راه پس و پیش برای حکومت وجود ندارد. این یک امید واقعی مردم برای رهایی از دست حکومت اسلامی است. اما در شرایط فعلی که هنوز این رژیم در قدرت است وضعیت طوری است که عملکرد آگاهانه و عامدانه رژیم و نیز فشار ناشی از حضور آن بهرحال بخشی از مردم را به استیصال و انفراد و حاشیه جامعه رانده است. علاوه بر این بیکاری و بی تامینی و اعتیاد و فحشا زندگی اقشاری از مردم را به مخاطره انداخته است. در چنین وضعیتی، بدلائل گوناگون، تکرار فاجعه شیراز منتفی نیست. باید از آن جلوگیری کرد. نباید گذاشت انسانها در خلوت خود برای خلاصی از فشار جمهوری اسلامی تصمیم به نابودی خود بگیرند. آینده را باید در مقابل آنها گذاشت. قدرت جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهی را برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رها شدن از فقر و بدبختی و تبعیض و نابرابری را باید به آنها نشان داد. باید به آنها نشان داد که بی پناه نیستند، بلکه جنبش مردم آزادیخواه برای دفع شر همین رژیم انسان ستیز و برقراری رفاه و آزادی و برابری به میدان آمده است و برای تقویتش باید به آن پیوست. خودکشی راه خلاصی از دست دشمن نیست، امید به آینده و شرکت در تلاش جمعی مردم برای نابودی دشمن راه حل واقعی است. این دشمن، این جمهوری اسلامی وصله ای ناجور به قباي جامعه بوده و رفتنی است. آینده از آن انسانهای شرافتمند است که برای تغییر وضع موجود تلاش میکنند و هدف خود را تلاش برای برقراری جامعه ای آزاد و برابر و در شان انسان تعریف کرده اند. باید به این تلاش انسانی پیوست.

بنابراین از یکسو زندگی زن در جامعه ایران توسط خود حکومت کثیف جمهوری اسلامی به نابودی کشانده شده است و از طرف دیگر حکومت دست کسانی را که بدلیل اسلامی بودن و مردسالار بودن تلاش زن برای آزادی را به بند میکنند، باز گذاشته است و مورد حمایت علنی و عملی و قانونی قرار میدهد. واضح است که اگر این پنج دختر نوجوان در یک کشور دیگری زندگی میکردند که علیرغم وجود نابرابری زن و مرد اما درجه ای حمایت قانون از حقوق زن در آن وجود داشت، دست به خودکشی نمی زدند. وجود همین درجه حمایت از حقوق زن او را در مقابل با تبعیض علیه خود در محیط پیرامونش کمک میکند، درمانده نمیشود و تصمیم به نابودی خود نمیگیرد. مساله اینست که جمهوری اسلامی زندگی و روح و روان این پنج دختر نوجوان را تخریب کرده بود. حکومت اسلامی قاتل آنهاست. حتی اگر تصمیم آنها برای خودسوزی بنا به گفته آزادی کشان اسلامی بدلیل تعصب و درگیری خانوادگی بوده باشد، اما تجربه کوتاه عمر سراپا مشقت و ستم بر خود را بعنوان الگوی زندگی زن در حکومت ضد زن جمهوری اسلامی دیده بودند. این دختران از یکسو فشار هیولای اسلامی بر زندگی زن را از بچگی با گوشت و پوست حس کرده بودند، و وجود تعصب اسلامی خانواده و ندیدن قدرت جنبش اعتراضی برای آزادی زن از سوی دیگر به آنان القا کرد که بی پناه اند و در بن بست هستند. راه خروج از بن بست را ندیدند و خود را کشتند. این داستان زندگی تمام زنانی است که زیر فشار نکبت حکومت اسلامی و قوانین آن به بن بست میرسند و دست به خودکشی میزنند.

اما راه رها شدن از ستم و تبعیض بر زن خودکشی و خود سوزی نیست. راه رها شدن پیوستن به جنبش آزادیخواهی برای بزرگ کردن سازمان دهندگان زن ستیزی است. بجای خودکشی باید دشمن زنان را از حکومت بزرگ کشید. بخش مهمی از دو و نیم دهه حاکمیت جمهوری اسلامی به نمایش توحش افسار گسیخته علیه زنان اختصاص دارد. بوسیله اشکال گوناگون اعمال توحش علیه زنان توسط گله هائی از مرتجعترین جانیان این حکومت، و تبدیل کردن ارتجاعی ترین قوانین اسلامی به قانون حاکم بر جامعه یک جهنم واقعی و یک محیط کاملا اسلامی ضد زن در جامعه را برای زنان درست کردند. از تحمیل حجاب شروع کردند، بصورت زنان تیغ کشیدند و اسید پاشیدند، به آنها در زندانها و قبل از اعدام تجاوز کردند، شکنجه کردند، بنا به همان احکام اسلامی به دختران ۹ ساله تجاوز کردند، زن و مرد را در جامعه

مضحکه "انتخابات شوراها" را باید به شکست کشاند!

برگزاری "مضحکه انتخابات شوراها" رکورد جدیدی در وقاحت رژیم اسلامی است. مردم میخواهند جمهوری اسلامی برود. جمهوری اسلامی نمیتواند خود را به نفهمی بزند. مردم نخواهند پذیرفت. نه تنها نباید در این پالماسکه، که جمهوری اسلامی به آن نام انتخابات داده، شرکت کرد باید به رژیم فهماند که نمیتواند به مردم این گونه توهین کند. این نمایش مسخره، اهانت به مردم است. اهانت به حق انتخابات است، اهانت به اصل دخالت آحاد مردم در سرنوشت سیاسی جامعه است و اهانت به حق رای شهروندان است.

مردم آزادیخواه! زنان! جوانان!

باید به جمهوری اسلامی فهماند که دوره این کارها تمام است. مردم دیگر قبول نمیکند. مردم هر جا که صندوقی هست، همانجا را به محل اعتراض بدل خواهند کرد و بساط اوپاش اسلامی را بهم خواهند زد. رژیم اسلامی هر آخوند با کلا یا بی کلاهی را از صندوق در بیاورد همه دنیا خواهند دید که مردم برنده

برگزاری "یوم الله" رژیم اسلامی به روز مردم تبدیل شده است. این مسخره بازی را باید به هم ریخت. نه فقط نباید در آن شرکت کرد بلکه باید با اعتراض دسته جمعی بساط آن را برچید. تجمع و اعتراض مردم میتواند ماموران رژیم را ناچار کند که از پهن کردن بساط ننگیشان منصرف شوند. هر جا هم صندوق می گذارند، همانجا را میتوان به محل اعتراض جمعی بدل کرد و بساطشان را به هم زد. روز برگزاری این مسخره بازی، سران و مزدوران رژیم روحیه باخته تر از همیشه خواهند بود. نمایش رسوای "مردمسالاری اسلامی" را باید بر سر برگزارکنندگان خراب کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳۸۱ اسفند
۲۵ فوریه ۲۰۰۳

سایت های حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت
www.wpiran.org
www.m-hekmat.com
www.wpibriefing.com
www.jawanan.org
www.marxsociety.com
www.rowzane.com
www.azadizan.com
www.medusa2000.com
www.hambastegi.org
www.childrenfirstinternational.org
www.iwsolidarity.com
www.kvwpiran.org
www.panjereh.org

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید!

اطلاعیه

از اول ماه مارس ساعات برنامه های تلویزیونی "برای یک دنیای بهتر" افزایش مییابد.

سه شنبه:

ساعت ۱۲:۳۰ شب

جمعه: ۱۲ ظهر

شنبه: ۶:۳۰ بعدازظهر

یکشنبه: ۶:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعتراضات کارگری در ارومیه، اصفهان و تبریز

شدید کارگران مواجه شد. تمامی کارگران چه آنها که اسمشان در لیست بود و چه بقیه به اقدام مسئولین کارخانه اعتراض کرده و یکپارچه تلاش کردند وارد کارخانه شوند. کار به درگیری کشید. نیروهای انتظامی توسط مدیریت کارخانه فراخوانده شدند و آنها نیز بلافاصله وارد شده و به کارگران حمله کردند. سرکوبگران مسلح جمهوری

اسلامی با باتوم و چوب به کارگران حمله میکردند و کارگران مقاومت مینمودند. در مدت درگیری و ساعاتی بعد از آن نیروهای رژیم مسیره‌های منتهی به کارخانه را بسته بودند تا مانع حضور مردم بیشتری در دفاع از کارگران شوند. در این روز اطلاعیه‌هایی از حزب کمونیست کارگری در دفاع از کارگران و حمایت از آنان در منطقه پخش شده و مورد استقبال کارگران قرار گرفت.

سرنجام با تیراندازی هوایی و دستگیری بیش از ده نفر از کارگران در بیرون کارخانه و دستگیری شماری دیگر در درون کارخانه، موفق شدند کارگران را متفرق کنند. کارگران بدنبال این تهاجم وحشیانه، به اعتراضات خود ادامه دادند. صبح دوشنبه با قرار قبلی در برابر اداره کار استان تجمع کرده و به اخراج‌ها و عدم پرداخت دستمزدهایشان اعتراض کردند. کارگران علاوه بر خواست پرداخت فوری دستمزدها، لغو حکم اخراج ۴۰۰ تن از همکارانشان و آزادی فوری دستگیرشدگان را میخواهند.

حزب کمونیست کارگری ایران از اعتصاب و مبارزات برحق کارگران پشتیبانی میکند. سرکوبگران جمهوری اسلامی باید گورشان را از کارخانه‌ها گم کنند. دستمزد کارگران باید فوراً و بدون قید و شرط پرداخت شود. تمامی کارگران دستگیر شده باید فوراً آزاد شوند و طرح اخراج کارگران باید لغو شود. ما همه کارگران و مردم شریف را به حمایت از خواستها و اعتراضات کارگری میخوانیم.

است مساله تهدید بیکاری است که بالای سر همه کارگران قرار دارد. در این تجمع کارگران بمدت سه ساعت خیابان روبروی کارخانه را بستند و خواستهای خود را مورد تاکید قرار دادند. این تجمع اعتراضی کارگران بعد از اینکه به کارگران وعده رسیدگی داده شد، با دخالت نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی پایان یافت.

کارگران نساجی رحیم زاده در یک سال گذشته بارها دست به اعتراض برای گرفتن دستمزدهای خویش زده اند. در سال گذشته چندین بار کارگران این کارخانه به خیابان آمده و دست به تظاهرات و اعتراض و بستن خیابان زدند. عدم پرداخت دستمزدهای ناچیز کارگران فشار خرد کننده‌ای را بر دوش این کارگران گزارد است.

درگیری نیروهای انتظامی با کارگران اعتصابی نخ تاب

روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه کارگران نخ تاب تبریز در برابر اداره کار تبریز تجمع کرده و دست به اعتراض زدند. نیروهای انتظامی که در محل بودند در تلاش متفرق کردن کارگران به آنها حمله ور شده و درگیر شدند. کارگران این کارخانه که حدود ۶۰۰ نفر میباشند مقاومت میکنند.

اعتصاب کارگران از اول بهمن ماه بصورت حضور بر سرکار و خودداری از کارکردن ادامه داشته است. کارگران خواهان پرداخت فوری و کامل دستمزدهای پرداخت نشده خویش هستند. با ادامه اعتصاب صبح روز شنبه ۱۹ بهمن ماه وقتی کارگران میخواستند به محوطه کارخانه وارد شوند، از ورود بسیاری از آنان جلوگیری شد. به کارگران اعلام کردند که ۴۰۰ نفر از آنان اخراج شده اند و اجازه ورود به کارخانه را ندارند. مسئولین کارخانه جلوی کارگرانی را که در لیست بودند میگرفتند و از وارد شدن آنها جلوگیری میکردند. این اقدام با اعتراض

تجمع اعتراضی کارگران شرکت آذر شهد ارومیه علیه اخراج

دوشنبه ۵ اسفندماه کارگران آذر شهد ارومیه در محوطه اداره کار و امور اجتماعی استان تجمع کردند و به اخراجهای اخیر اعتراض کردند. کارگران خواهان بازگشت به کار فوری همه کارگران آذر شهد هستند. مدتی پیش مدیریت شرکت آذر شهد ارومیه بیش از ۲۰۰ نفر از ۳۷۰ نفر کارگران این کارخانه را اخراج کرد. این اخراجها تحت عنوان تعدیل نیروی کار در کارخانه و کاهش هزینه‌های تولید انجام گرفته است. برخی از کارگران اخراجی بیش از ده سال در این کارخانه کار کرده اند. کارگران این کارخانه قبلاً نیز در روز ۱۸ دیماه در اعتراض به اخراجها جمعی اعتراضی بر پا داشتند. همه کارگران کارخانه آذر شهد به صورت قراردادی به استخدام شرکت در آمده اند و به همین دلیل دست کارفرما در اخراج آنها باز تر است. استخدام قراردادی کارگران یک شیوه رایج امروز کارفرمایان در ایران است. با استخدام قراردادی کارفرمایان میکوشند خود را از همان حداقل تعهداتی که در قبال کارگران برعهده آنها قرار میگيرد معاف کنند و هزینه تولید را به حداقل ممکن برسانند.

تجمع اعتراضی کارگران نساجی رحیم زاده

روز سه شنبه ۲۹ بهمن ماه بیش از ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه نساجی رحیم زاده اصفهان در مقابل این کارخانه اجتماعی اعتراضی برپا داشتند و به عدم پرداخت دستمزدها اعتراض کردند. کارگران این کارخانه میگویند از حقوق یک سال گذشته خویش فقط شش ماه را دریافت کرده اند و بعلاوه عیدی و پاداش سال قبل نیز پرداخت نشده است. مساله دیگری که مورد اعتراض کارگران

همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

غربی با جمهوری اسلامی در برخورد به جنایات بیشمار این رژیم و سرنوشت زندانیان سیاسی دارند. با اینهمه به درست از هر فرصتی برای فشار آوردن بیشتر به رژیم اسلامی و عقب راندن و واداشتن آن به آزادی زندانیان سیاسی استفاده کرده اند. تجمع خانواده‌های زندانیان و مردم معترض در جلو محل اقامت هیات در روزهای مختلف نمونه‌ای از این اقدامات اعتراضی است که نیروهای سرکوبگر رژیم تلاش میکردند از آن جلوگیری کنند. خانواده زندانیان سیاسی که برای دیدار با هیئت در مقابل هتل لاله تجمع کرده بودند با اهانت و تعرض و دستگیری توسط نیروهای سرکوبگر دولتی مواجه شدند. رژیم از تجمع مردم وحشت کرده بود و بهمین دلیل مسیره‌های منتهی به محل استقرار هیات سازمان ملل برای تحقیق درباره زندانیان سیاسی را به شدت تحت کنترل گرفتند و از عابرین بازجویی میکردند. اما علیرغم کنترل شدید توسط لباس شخصی‌ها و نیروی انتظامی خانواده‌های زندانیان سیاسی و مردم معترض دسته دسته از خیابانهای اطراف خود را به محل هتل لاله رساندند و شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" سر دادند.

فقط از طریق اعتراض یکپارچه و قدرتمند مردم میتوان برای آزادی زندانیان سیاسی کاری انجام داد. باید تلاش کرد تا شعار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی به شعار عمومی مردم در تجمعات و اعتراضات جاری در جامعه تبدیل شود.

طی چند روزیکه هیات سازمان ملل در ایران بود، ماهیت جنایتکار جمهوری اسلامی مجدداً در معرض دید جهان قرار گرفت. زندانی سیاسی جوان، ساسان آل کنعان، که نامش در لیست اسامی زندانیان سیاسی در اختیار این هیئت بود در سنج اعدام شد. جمهوری اسلامی تلاش زیادی کرد تا از فاش شدن حقایق مربوط به وضعیت زندانیان سیاسی جلوگیری کند. کنترل محل اقامت هیات توسط نیروهای امنیتی و منع تماس حضوری و تلفنی با آنان، "ترتیب" دیدار هیات از اوین بدون دسترسی به زندانیان سیاسی، پراکنده کردن تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی در جلو محل اقامت هیات، هتل لاله، و جلوگیری از دیدارشان با هیات، در عین حال دیدارهای مکرر مقامات دولتی با هیات و اظهاراتشان در توجیه جنایات و سرکوبگریهای رژیم، همگی نشان میدهند که هدف رژیم از پذیرش این سفر خنثی کردن فشارهای روزافزون داخل و خارج کشور در ارتباط با مساله زندانیان سیاسی است. بجز موارد خیلی معدود، آشکارا "تحقیق" هیات در چارچوب زندانیان رژیمی محدود ماند. از طرف دیگر محدود شدن رسمی کار هیات به تحقیق درباره "بازداشت‌های خودسرانه!" از سازش سازمان ملل با رژیم اسلامی در ارتباط با این سفر حکایت میکند.

مردم و بویژه خانواده‌های زندانیان سیاسی تجارب تلخ بسیاری از سازش‌های بین المللی، اتحادیه اروپا و دولتهای

برای یک دنیای بهتر

برنامه تلویزیونی علی جوادی

از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۱"

سه شنبه‌ها، ۸:۳۰ شب

جمعه‌ها ۳:۳۰ بعدازظهر

بوقت تهران

Fax: 001(208) 2464221

روی اینترنت

www.rowzane.com/tv/alijavadi

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر - ۷۴۹۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!